

۱. اشمیتوف، کلابو، حقوق تجارت بین‌الملل، ج ۲، ترجمه بهروز اخلاقی و همکاران، تهران، سمت، ۱۳۷۸ ش.
۲. ایوبی‌فر، ف.، چگونه با داوری اختلافات حقوقی خود را حل کنیم، سخن گستر، ۱۳۸۴ ش.
۳. جنیدی، لعبا، نقد و بررسی تطبیقی قانون داوری تجاری بین‌المللی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸ ش.
۴. خزاعی، حسین، حقوق تجارت بین‌الملل - داوری، ج ۷، تهران، قانون، ۱۳۸۶ ش.
۵. شهبازی‌نیا، مرتضی و همکاران، حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۶ ش.
۶. صفایی، سیدحسین، حقوق بین‌المللی و داوریهای بین‌المللی، تهران، میزان، ۱۳۷۵ ش.
۷. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۸. قانون [۱۳۸۰] الحاق ایران به کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی ۱۹۵۸ (کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک).
۹. قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، مصوب ۱۳۷۹ ش.
۱۰. قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، مصوب ۱۳۷۶ ش.
۱۱. کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک در شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی.
۱۲. نصیری، مرتضی، حقوق تجارت بین‌المللی در نظام حقوق ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳ ش.
۱۳. نیکبخت، حمیدرضا، داوری تجاری بین‌المللی «آیین دادرسی»، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۸ ش.
14. Barker, D. & C. Padfield, *Law Made Simple*, Burlington, USA, 11<sup>th</sup> ed, 2002.
15. Carr, Indira, *Principles of Int'l Trade Law*, London, Covendish Publishing Ltd., 1999.
16. *Convention on the Settlement of Investment Disputes between States and Nationals of Other States* (ICSID).
17. Cracknell, D. G., et al., *Cracknell's Statutes - Law of Int'l Trade*, London, Old Barley Press, 1998.
18. Hunt, Martin, *A Level and as Level Law*, London, Sweet & Maxwell, 2000.
19. *UNCITRAL Model Law on Int'l Commercial Arbitration*, 1985.

## حمایت از کی‌رایت در حقوق کیفری\*

- جواد صالحی<sup>۱</sup> (عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور کرمان)
- علی غلامعلی‌پور (عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور کرمان)

### چکیده

ضرورت حمایت از کی‌رایت با ظهور و توسعه صنعت چاپ و فناوری نرم‌افزاری، دولت‌ها را با نگرانی مواجه کرده است. کی‌برداری غیر مجاز همواره در نظم عمومی جوامع بشری، ایجاد اختلال کرده و افزون بر این امنیت مالی و سیاسی انسانها و دولت‌ها را در معرض خطر قرار داده است. بدین لحاظ برخی از کشورها به دلیل ارزش والای میراث فکری بشر و علاقه جمعی در حمایت از خالقان آثار فکری، نقض کی‌رایت را یک جرم کیفری قلمداد کرده‌اند. مقنن ایرانی نیز برای آنکه حمایت از این دسته حقوق را با ضمانت اجرای کافی پاسخگو باشد، به جرم‌انگاری کی‌رایت غیر مجاز پرداخته است. در این مقاله سعی بر آن است تا با بررسی قوانین کیفری در زمینه کی‌رایت به شناخت مؤلفه‌های سازنده حمایت کیفری و همچنین نوع ابزارهای قهرآمیز

\* تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۶/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۷/۸.

برای ناقضان کپی‌رایت پردازیم و نقایص آن را مورد تحلیل قرار دهیم.  
واژگان کلیدی: مالکیت فکری، کپی‌رایت، قوانین کیفری، زندان.

### درآمد

پیشرفت فناوری کپی‌برداری و فراهم شدن فناوری نشر و تکثیر پس از اختراع صنعت چاپ، زمینه چاپ و توزیع گسترده و آسان آثار فکری (صالحی، ۱۳۸۶: ۳۹) را موجب شده است. چنین امکاناتی صرف نظر از مزیت‌های خاص خود، آفریننده یک اثر فکری را که پس از صرف وقت، سرمایه و تخصص به تولید یک اثر نائل شده است، نگران بهره‌برداری از حقوق مادی و اخلاقی (حضرتی، ۱۳۷۸: ۱۵۹) اثر خویش ساخته است. چراکه مالک اثر فکری این دغدغه را دارد که مبادا شخص دیگری از راه برسد و بدون موافقت و پرداخت هزینه‌های تحمیلی به وی، اعم از اقتصادی و اخلاقی به تکثیر و توزیع غیر مجاز اثر وی اقدام کند.

دولت به عنوان حافظ نظم عمومی و تأمین امنیت در جامعه سعی کرده است با توسل به دستگاه قانون‌گذاری و قضایی به دارندگان آثار فکری این اطمینان را بدهد که حرمت آثار فکری ایشان چه از نظر مادی و چه از نظر اخلاقی حفظ می‌گردد. در واقع مقنن در این راستا تلاش کرده است که سیاست کیفری (صالحی، ۱۳۸۷: ۳۰) جامعی، مشتمل بر وضع قوانین در خصوص تعیین جرایم و نوع پاسخ‌های موجود و حدود اختیارات نهادهای کیفری و اجرایی را پایه ریزی کند تا از نقض کپی‌رایت جلوگیری کند. کپی‌رایت معادل اصطلاح «حق نسخه‌برداری» و «حق تکثیر و انتشار» است که ترجمه‌ای از اصطلاح «Copyright» می‌باشد. ضمن آنکه این اصطلاح در نظام‌های رومی - ژرمنی به «حق مؤلف» شهرت دارد. اصطلاح «کپی‌رایت» در سال ۱۸۸۶ طی «کنوانسیون برن» وارد عرصه بین‌المللی گردید و به مسئولیت حمایت از کارهای ادبی و هنری اشاره کرد. کپی‌رایت از جمله مباحث مالکیت ادبی و هنری (به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های فرعی مالکیت فکری)، حقی است که به موجب آن به پدیدآورنده اثر ادبی اجازه داده می‌شود که نسبت به انتشار و فروش اثر ادبی، هنری یا علمی خویش با پشتوانه حمایتی که از سوی قانون‌گذار نسبت به او صورت می‌گیرد، تصمیم بگیرد. این حمایت در قلمرو آثار

اصیل از جمله آثار ادبی، موسیقی، هنری و دیگر آثار فکری خاص، صورت می‌گیرد و شامل هر دو دسته آثار چاپ‌شده و چاپ‌نشده می‌باشد (صالحی، ۱۳۸۶: ۳۹).

فرایند اقدامات مقنن در پایه‌ریزی سیاست کیفری در قلمرو نقض کپی‌رایت به بیش از نیم قرن پیش برمی‌گردد. شروع این اقدامات را باید در قانون مجازات عمومی (۱۳۰۴ اصلاحی ۱۳۱۰) و تکامل آن را در قوانین نسبتاً مستقل بعدی جستجو کرد (صالحی، ۵/درسی ۶۸: ۱۹). در این مقاله سعی بر آن است تا کلیه قوانین موجود راجع به نقض کپی‌رایت را بررسی و نقیصه‌های آن را مورد تحلیل قرار دهیم.

### ۱. قانون مجازات عمومی (۱۳۰۴ اصلاحی ۱۳۱۰)

مقنن در سال ۱۳۱۰ برای اولین بار با الهام از قانون مجازات عمومی ۱۸۱۰ فرانسه، در ذیل مبحث دسیسه و تقلب در کسب و تجارت قانون مجازات عمومی، مقرراتی را طی مواد ۲۴۵ تا ۲۴۸ در جهت حمایت کیفری از کپی‌رایت به تصویب رسانید و به قانون مجازات عمومی اضافه کرد تا از اعمالی مثل چاپ تألیف یا تصنیف دیگری بدون اجازه، اقتباس غیر مجاز، فروش غیر قانونی و چاپ غیر قانونی تألیف دیگران جلوگیری کند. مقنن در اولین رویکرد انقلابی خویش در راستای مبارزه با نقض کپی‌رایت نه تنها به جرم‌انگاری استفاده‌های جزئی از آثار ادبی دیگران در نوشته‌های شخصی و چاپ و تألیف یا تصنیف دیگران پرداخت، بلکه به اقدامات غیر قانونی چاپخانه‌ها در چاپ بدون اجازه آثار دیگران و فروشندگان چنین آثار چاپ‌شده بدون مجوز، نیز به عنوان مباشران اصلی جرم اشاره کرد. با وجود این، مقنن در تعیین ضمانت اجرا، نرمش فوق‌العاده خوبی از خود نشان داد و با درایت خاصی که در شناخت جنس چنین جرایمی داشت، به جزای نقدی پرداخت. از این رو برای مرتکبان چاپ تألیف یا تصنیف دیگری بدون اجازه، جزای نقدی از ۵۰ تا ۵۰۰ تومان، برای اقتباس غیر مجاز، حداقل مجازات در ماده ۲۴۵ قانون مذکور (۵۰ تومان)، برای فروش غیر قانونی تألیف دیگران، جزای نقدی از ۲۵ تا ۲۰۰ تومان و برای چاپ غیر قانونی تألیف دیگران، جزای نقدی از ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ تومان را تعیین کرد. آنچه که در این قانون به عنوان اولین جنبش در حمایت از کپی‌رایت مد نظر

مقنن قرار گرفت، خنثی کردن زمینه‌های مجرمانه در مجرمان احتمالی بوده است. زیرا مقنن وقت به خوبی درک کرده است که جرایم کپی‌رایت علیه اموال و دارای ریشه‌های مالی است. به همین لحاظ مقنن با استفاده از جزای نقدی به خوبی درایت خود را در مقابله با کپی‌رایت غیر مجاز نشان داده است. به نظر می‌رسد مقنن با چنین مجازات‌هایی، علاوه بر پیشگیری فردی به پیشگیری جمعی دست زده است. مقنن با تهدید مجرمان احتمالی به جزای نقدی، ریشه‌های جرم را خشکاند. چراکه با این عملکرد، معادله منفعت ناشی از ارتکاب جرم را به ضرر مجرم منتهی ساخته است. اگرچه سیاست کیفری اتخاذشده نتوانست اقدامات مؤثری در کاهش نقض کپی‌رایت صورت دهد، ولی به عنوان اولین جنبش در سالهایی که جامعه هنوز خطر چندانانی را نسبت به کپی‌برداری غیر مجاز آثار دیگران احساس نکرده بود، قابل تقدیر و ستایش است.<sup>۱</sup>

## ۲. قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸)

مقنن برای اولین مرتبه با تدوین و تصویب این قانون، به صورت تخصصی به اتخاذ سیاست کیفری ویژه‌ای در جهت حمایت از حقوق مالکان آثار فکری روی آورد. مقنن در فصل چهارم این قانون به جرم‌انگاری موارد نقض کپی‌رایت پرداخته است، تا اعمالی از جمله موارد ذیل مجرمانه و دارای ضمانت اجرای کیفری بشود.

استفاده از عنوان، نام و نشانه ویژه معرف اثر برای اثر دیگری از همان نوع یا مانند آن به ترتیبی که القای شبهه نماید، عدم اعلام و درج نام پدیدآورنده با عنوان و نشانه ویژه معرف اثر از سوی انتقال‌گیرنده، ناشر و کلیه کسانی که اجازه قانونی دارند، تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت و نشر آنها بدون اجازه پدیدآورنده، نشر، پخش، ضبط و تکثیر آثار مورد حمایت این قانون از سوی چاپخانه‌ها، بنگاه‌های ضبط صوت، کارگاه‌ها و اشخاص بدون رعایت یا کوتاهی در اجرای ضوابط مربوط به درج شماره دفعات چاپ، تعداد نسخ کتاب، ضبط، تکثیر، پخش،

۱. این مواد در سال ۱۳۴۸ به موجب ماده ۳۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان نسخ گردید.

انتشار، درج مسلسل روی صفحه موسیقی و صدا به تمام نسخه‌ها با ذکر تاریخ و نام چاپخانه یا بنگاه و کارگاه مربوطه، نشر، پخش و عرضه تمام یا قسمتی از آثار مورد حمایت این قانون که متعلق به دیگران است، به نام خود یا شخص دیگر غیر از پدیدآورنده و یا به نام پدیدآورنده ولی بدون اجازه وی، چاپ، پخش و نشر ترجمه دیگری به نام خود یا دیگری.

مقنن در این قانون، سعی کرد با رویکردی تکاملی نسبت به قانون سابق، کلیه اعمالی که حقوق دارندگان آثار فکری را نقض می‌نماید، با ورود به جزئیات بیشتر چگونگی این اعمال، تحت حمایت کیفری قرار دهد. به رغم دقت نظر مقنن، این قانون نیز دارای اشکالاتی است که راه را برای مجرمان احتمالی باز می‌گذارد. یکی از این خلأها، ماده ۲۲ این قانون است. این ماده فقط از آثاری که برای نخستین بار در داخل کشور چاپ یا پخش یا اجرا شده باشند، حمایت کرده است. در صورتی که این ماده قانونی ملاک عمل قرار گیرد، چاپ و نشر مجدد و بهره‌برداری از کتابهایی که برای نخستین بار در خارج از کشور چاپ یا نشر شده‌اند، بدون موافقت پدیدآورنده یا ناشر خارجی امکان‌پذیر است. به بیان دیگر، یک اثر چاپ، پخش، نشر یا اجرا شده در داخل، زمانی از حمایت برخوردار است که آن اثر قبلاً در خارج از کشور چاپ نشده باشد. به همین جهت آثاری که از روی نسخ خارجی چاپ، پخش، نشر یا اجرا شده در خارج از کشور کپی‌برداری می‌شوند، قابل حمایت نیستند. البته این شرط فقط مربوط به حقوق مادی پدیدآورنده است و در رابطه با حقوق اخلاقی پدیدآورنده، به رغم چاپ، پخش، نشر یا اجرای آن در خارج از کشور می‌توان خاطی را تحت تعقیب قرار داد، اما این نگرانی دارنده خارجی آثار فکری را برمی‌انگیزد که از اثر فکری ایشان در جمهوری اسلامی ایران حمایت نمی‌شود. این نگرانی تا جایی وسعت می‌یابد که از تمایل دارندگان چنین آثاری، حداقل برای چند سال اولی که آثارشان در خارج از کشور چاپ شده است و بازار خوبی دارد، برای حضور در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران که هر سال برگزار می‌شود، می‌کاهد.

مقنن در این قانون بر خلاف قانون سابق، با رویکردی متفاوت برخورد کرده

است. مقنن بر خلاف ضمانت اجرای جزای نقدی در قانون سابق، این مرتبه در تعیین ضمانت اجرای کیفری عمدتاً حبس محور<sup>۱</sup> بوده است که حسب مورد با توجه به نوع نقض، میزان آن متفاوت است.

صرف نظر از این اشکالات، مقنن در این قانون به رفع یک خلأ قانونی پرداخت. مقنن در ذیل ماده ۲۸ این قانون با اشاره به مسئولیت اشخاص حقوقی، نقطه عطفی برای حمایت هر چه بیشتر مالکان آثار ادبی قرار داد. زیرا بیشتر موارد نقض کپی رایت از سوی مؤسسات و اشخاص حقوقی صورت می‌گیرد. قانون به صراحت تکلیف اینکه چه کسی مسئول جرایم ناشی از اشخاص حقوقی است را مشخص کرده است. مقنن با این اقدام از تشتت آرا جلوگیری کرده است و به نظرات مختلفی که در رابطه با مسئولیت اشخاص حقوقی در زمینه جرایم ارتكابی از سوی آنان وجود دارد، نقطه پایانی نهاده است که قابل ستایش است.

یکی دیگر از نوآوریهای این قانون انتشار آگهی مفاد حکم نهایی صادرشده از دادگاه است که بنا به درخواست شاکی خصوصی در یکی از روزنامه‌ها به انتخاب و هزینه شاکی خصوصی قابلیت چاپ دارد. به نظر می‌رسد که این امکان به پیشگیری عمومی به لحاظ بازدارندگی عمومی کمک شایانی بنماید. ضمن اینکه در رابطه با آثار نشر و توزیع شده غیر مجاز این امکان وجود دارد که ضمن رسیدگی به شکایت شاکی خصوصی نسبت به ضبط آن از طریق دستور به ضابطان دادگستری اقدام شود. ضمن اینکه حسب ماده ۳۱ این قانون تعقیب تمام جرایم مذکور منوط به شکایت شاکی خصوصی اعلام شده است و با گذشت او تعقیب یا اجرای حکم موقوف می‌شود.

### ۳. قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی (۱۳۵۲)

اشکالات موجود در قوانین سابق مبنی بر سکوت در حمایت از آثار صوتی و آثار

۱. البته به استناد بند دو ماده سوم قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین در جایی که حداقل مجازات کمتر از سه ماه و یک روز و حداکثر آن از سه ماه و یک روز بیشتر باشد، حبس قابل تبدیل به جزای نقدی است. قاضی در این موارد باید به بیش از سه ماه حبس حکم دهد در غیر این صورت موظف به تعیین جزای نقدی است (۱۳۷۳).

ترجمه شده، مقنن را به چاره‌اندیشی واداشت. مقنن با توجه به اینکه ترجمه یک اثر از زبانی به زبان دیگر از برخی جهات آسان‌تر از آفرینش اثری جدید نیست و ترجمه یک اثر ادبی و هنری به زبانهای دیگر به لحاظ ارزشی که در زبان مبدأ برای آن لحاظ است، در برخی موارد از چنان استقبالی در زبان مقصد برخوردار می‌گردد که مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد، قانونی را به حمایت از آثار ترجمه شده اختصاص داد و در ذیل آن تکثیر یا تجدید چاپ و بهره‌برداری و نشر و پخش ترجمه بدون مجوز، تکثیر کتب و نشریات به همان زبان و شکل چاپ شده به قصد فروش یا بهره‌برداری مادی، نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر آثار صوتی بدون اجازه صاحبان حق یا تولیدکنندگان و وارد یا صادر کردن آثار صوتی نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر شده بدون اجازه صاحبان حق یا تولیدکنندگان را ممنوع اعلام کرد.

مقنن در این قانون در رابطه با تعیین ضمانت اجرای کیفری عمدتاً حبس محور است. مقنن در کلیه این موارد، مجازات حبس از سه ماه تا یک سال را در نظر گرفته است. صرف نظر از اینکه کلیه جرایم مذکور در این قانون مذکور با تصویب قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین می‌تواند به جزای نقدی تبدیل شود، مقنن در این قانون به مجازات حبس روی آورده است. با توجه به تاریخ تصویب این قانون و فاصله زمانی زیاد آن با قانون وصول... که با تفکر پرهیز از صدور حبس کوتاه‌مدت تصویب شده است، تنها می‌توان با برخورداری از یک رویه قضایی محکم نسبت به برخورد با چنین جرایمی امیدوار بود که قضات از این مقرر به نحوی بهره‌برداری کنند که حداقل نسبت به چنین جرایمی سیاست کیفری مقنن ۱۳۱۰ تأمین گردد. ضمن آنکه میزان مجازات علاوه بر خسارت وارده به شاکی خصوصی می‌باشد.

### ۴. قانون مطبوعات (۱۳۶۴) و طرح اصلاحی آن (۱۳۷۹)

مقنن در این قانون، نسبت دادن اثر غیر به خود یا دیگری را جرم دانسته است. در حالی که این اقدام دارای اشکال است. چراکه این عمل از مصادیق قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان می‌باشد و باید قانون اخیر صرف نظر از ابزار و

محیط جرم (مطبوعات) مستند حکم قرار گیرد. صحت این مسئله زمانی قوت پیدا می‌کند که به تبصره ۳ ماده ۵ توجه کنیم. مقنن در این تبصره به شمول قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان در رابطه با آثار به نام پدیدآورنده یا به نام نشریه اشاره کرده است.

اشکال دیگر اینکه تبصره ۱ ماده ۶ در تعریف اعمالی که نقض کپی‌رایت محسوب می‌شوند، از اصطلاح «سرقت ادبی»<sup>۱</sup> استفاده کرده است، صرف نظر از اینکه دو قانون ۱۳۴۸ و ۱۳۵۲ در زمینه محیط جرم اطلاق دارند و شامل روزنامه هم می‌شوند. از این رو روشن است که مقنن بدون توجه به سابقه تقنینی در زمینه جرایم علیه کپی‌رایت و لحاظ قرار دادن مصادیق جرایم علیه آثار فکری در ذکر عنوان «سرقت ادبی» در جهت پوشش جرایم علیه آثار فکری در بند دهم ماده ۶ قانون مطبوعات به خطا رفته است. در این ماده به دو شکل از اشکال نقض کپی‌رایت اشاره شده است:

نوع اول اینکه شخصی تمام یا قسمتی از یک اثر ادبی و هنری را به همان زبان تألیف شده، مورد سوءاستفاده قرار دهد و منتسب به خود اعلام کند.  
نوع دوم اینکه شخص تمام یا قسمتی از یک اثر ادبی را به صورت ترجمه به زبان دیگر به خود انتساب دهد. به بیان دیگر اینکه شخص مطلبی را از یک زبان به زبان دیگری ترجمه کند. سپس این ترجمه را به عنوان ایده و فکر خویش اعلام نماید. در حالی که متن اصلی متعلق به غیر می‌باشد و اقدام فرد اخیر فقط در حد ترجمه می‌باشد.

از سوی دیگر تکثیر نشریات در ماده ۷ و بند الف ماده ۳۳ قانون مطبوعات به عنوان یکی از مصادیق جرایم مطبوعاتی تلقی گردیده است. برخی توزیع و تکثیر

۱. با به کارگیری این واژه در مورد آثار ادبی و هنری مخالف هستیم. دلیل این مخالفت به این جهت است که در این جرایم آنچه مرتکب زیر پا می‌نهد حق تصمیم‌گیری مالک اثر در مورد انتشار یا عدم انتشار اثر هنری است. البته از این عمل منافع مادی نصیب نقض‌کننده می‌شود. ولی این کسب منفعت نمی‌تواند دلیل موجهی بر استفاده از واژه «سرقت» در این قبیل جرایم باشد. با لحاظ قرار دادن اینکه سرقت در حیطه جرایم علیه اموال می‌گنجد و اثر ادبی از نوع اموال عینی نیست که بتواند مورد سرقت قرار گیرد، این آثار نمی‌توانند مشمول عنوان سرقت قرار گیرند. لذا به نظر می‌رسد قرار دادن عنوان سرقت ادبی در خصوص جرایم علیه آثار فکری صحیح نیست.

بدون مجوز نشریه را از جمله موارد تجاوز به آثار فکری و ارتکاب آن به وسیله مطبوعات را بی‌معنا تلقی کرده‌اند (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۰: ۹۴). در حالی که به نظر می‌رسد تکثیر نشریات در این قانون با آنچه که در ماده ۲ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی ممنوع اعلام شده است، متفاوت باشد. چراکه مقنن در قانون مطبوعات چاپ و انتشار نشریه بدون پروانه و تقلید از نام یا علامت نشریه دیگر را ممنوع اعلام کرده است، در حالی که قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی، تکثیر نشریات دارای پروانه از سوی غیر صاحبان امتیاز را منع کرده است.

اشکالی که در تعیین نوع ضمانت اجرا در این قانون به چشم می‌خورد این است که مقنن در تعیین مجازات، تبصره ۲ ماده ۶ این قانون (الحاقی ۱۳۷۷) به مجازات مقرر در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی ارجاع داده است و در صورت تکرار، مرتکب را مستوجب تشدید مجازات و لغو پروانه مطبوعاتی دانسته است. صرف نظر از اشکالاتی که در این نوع جرم‌انگاری وجود دارد، به نظر می‌رسد استناد به ماده ۶۹۸ با اشکال جدی دیگری مواجه است. محتوای ماده ۶۹۸ که به اظهار اکاذیب به قصد اضرار به غیر یا... اشاره دارد، ماهیتاً متفاوت از استفاده غیر مجاز آثار فکری دیگران است. در اعمال ناقض کپی‌رایت آنچه که اعلام می‌گردد چه بسا عین حقیقت علمی یا... است و تنها دروغ آن، استناد چنین مطالبی به مجرم است. به بیان دیگر، در عمل مصرحه در ماده ۶۹۸ مجرم یک سری مطالب را که غیر واقعی و خودساخته است اعلام می‌کند و به دروغ به دیگری استناد می‌دهد، در حالی که در جرم کپی‌رایت آن چیزی که اعلام می‌شود از واقعیات متعلق به بزه‌دیده است و مجرم آن را به جای اینکه به صاحب اصلی استناد دهد یا متمسک به مجوز قانونی شود، به دروغ آن را به خود مستند می‌کند.

## ۵. قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز می‌نمایند (۱۳۸۶)

پیشرفت در حیطه آثار سمعی و بصری مسائلی را در حوزه کپی‌رایت پدید



آورده که در برخی موارد با پخش در رادیو و تلویزیون، یا در دسترس عموم قرار گرفتن برای استفاده‌های شخصی، حق مؤلف یا حقوق اجراکنندگان (پورمحمدی، ۱۳۸۵: ۵-۱۷۰) نقض می‌شود. به همین لحاظ حمایت از این دسته حقوق توسط مقنن مورد توجه قرار گرفته است. قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز می‌نمایند (خلاصه گزارش... ۱۳۸۵)، فعالیت در آثار سمعی و بصری غیر مجاز به جای آثار مجاز و تولید، تکثیر و توزیع عمده آثار سمعی و بصری مستهجن و مبتذل را ممنوع اعلام کرده است.<sup>۱</sup> جدای از فعالیت در قلمرو آثار مستهجن و مبتذل (جوانمرد، ۱۳۸۶: ۲۱)، چیزی که می‌تواند نزدیک به مفهوم کپی‌رایت باشد، ماده یک این قانون است که به دو مسئله می‌پردازد: جلوگیری از عرضه آثار غیر مجاز به جای آثار مجاز؛ جلوگیری از تضییع حقوق صاحبان اثر.

اگرچه مقنن در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان به حمایت از آثار سمعی و بصری پرداخته بود، ولی به نظر می‌رسد مقنن در این قانون علاوه بر پوشش کپی‌رایت آثار سمعی و بصری به دنبال ایجاد نظام نظارتی بیشتر در خصوص این قبیل آثار می‌باشد. چراکه در ادامه (ماده ۲ این قانون)، هرگونه فعالیت تجاری در زمینه تولید، توزیع، تکثیر و عرضه نوارهای صوتی و تصویری را مشروط به اخذ مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌نماید و برای افرادی که بدون مجوز دست به فعالیت در این عرصه می‌زنند، ضمانت اجرای کیفری در نظر می‌گیرد. البته عنوان مجرمانه موضوع ماده اخیر از عنوان مجرمانه ماده یک متفاوت است. ممکن است شخصی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد دارای مجوز باشد، ولی به عرضه آثار غیر مجاز بپردازد. همان طور که ممکن است شخصی دارای مجوز از سوی وزارت ارشاد باشد ولی آثار مجاز را ارائه دهد.

در مورد فعالیت تجاری غیر مجاز در زمینه تولید، توزیع، تکثیر و عرضه نوارهای صوتی و تصویری مستهجن و مبتذل شاید تا حدی جرم‌انگاری جدید قابل توجیه باشد. اما این مسئله در خصوص تجاوز علیه آثار سمعی و بصری عادی با توجه به

۱. با توجه به اینکه فقط موضوع دسته اول این آثار مرتبط با موضوع این تحقیق می‌باشد، از پرداختن به دو دسته صرف نظر می‌کنیم.

سابقه تقنینی تا حدودی غیر منطقی است، مگر آنکه استفاده خانگی، یا در اماکن عمومی مثل ایستگاه قطار، داخل اتوبوسها و... از این آثار سمعی و بصری که به صورت غیر مجاز تکثیر و توزیع شده‌اند، منظور مقنن باشد که چنین برداشتی از ماده ۱ و ۲ این قانون به دست نمی‌آید. در واقع مقنن در این ماده بیشتر به جنبه عمومی و حقوق نظارتی ارگان خاصی نظر داشته است، تا این ارگان نسبت به چگونگی و تعداد تکثیر و توزیع آثار سمعی و بصری نظارت و کنترل داشته باشد، نه اینکه نسبت به اتفاقی که پس از این مرحله برای آثار سمعی و بصری مجاز می‌افتد (تکثیر از روی اثر مجاز، اما بدون اجازه و پرداخت حقوق قانونی صاحب اثر) نظر داشته باشد.

نکته دیگر اینکه با توجه به ماهیت و فلسفه جرم‌انگاری این دسته از جرایم به عنوان پاسخی به التهاب شیوع آثار فرهنگی غربی مستهجن و ممنوعیت استفاده از تجهیزات ویدئو در برهه‌ای از زمان، در بادی امر به نظر می‌رسد اقدام مقنن در گنجاندن<sup>۱</sup> فعالیت غیر مجاز در عرصه آثار سمعی و بصری عادی ضروری نباشد. اما با توجه به تصریح شرط پخش و اجرای اثر برای نخستین بار در کشور ذیل ماده ۲۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مانعی در جهت حمایت از آثار سمعی و بصری خارجی که سابقه پخش و اجرای آن در خارج از کشور می‌باشد، وجود داشت که از این حیث اقدام مقنن قابل توجیه است. چراکه اکثر آثار سمعی و بصری خارجی که در کشور تکثیر و توزیع می‌شوند، به لحاظ مفقود بودن این شرط در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان قابل حمایت نبودند و حمایت از آثار سمعی و بصری در قانون سابق محدود به تولیدهای داخلی است.

عملکرد مقنن در این قانون به لحاظ تبدیل نوع مجازات تا حدودی با سیاست کیفری اتخاذی در قوانین سابق الذکر متفاوت است. ماده ۱ این قانون به مجازات جزای نقدی به جای مجازات زندان روی آورده است و پرداخت خسارت وارده نیز پیش‌بینی شده است، مشروط بر اینکه حقوق صاحبان حق تضییع شده باشد و آن را

۱. چراکه مقنن معرفی آثار سمعی و بصری غیر مجاز به جای آثار مجاز و تولید، تکثیر و توزیع عمده آثار سمعی و بصری مستهجن و مبتذل را در این قانون به صورت توأمان جرم‌انگاری کرده است.

مطالبه نمایند. به هر حال مقنن با قرار دادن مجازات «... دو میلیون ریال تا بیست میلیون ریال...» به تخفیف در سیاست کیفری خویش در حوزه حمایت از آثار سمعی و بصری پرداخت. چراکه ماده ۲۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مجازات زندان را برای نقض کپی‌رایت در امور سمعی و بصری در نظر گرفته است.

این قانون در رابطه با قابل گذشت بودن یا غیر قابل گذشت بودن فعالیت غیر مجاز در امور سمعی و بصری تصریحی ندارد. با توجه به اصل غیر قابل گذشت بودن جرایم، به نظر می‌رسد که این جرایم ولو بدون شکایت شاکی خصوصی قابل پیگرد می‌باشد، که این نظریه با توجهی که در رابطه با حمایت مقنن از بعد حقوق عمومی چنین آثاری به لحاظ جنبه نظارتی ارگان خاصی در تولید، تکثیر و توزیع آثار سمعی و بصری ارائه دادیم، تقویت می‌گردد. از سوی دیگر با توجه به تصویب این قانون به نظر می‌رسد که قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان در قسمت حمایت از آثار سمعی و بصری نسخ شده است. ضمن اینکه رویه قضایی در رسیدگی به جرایم کپی‌برداری غیر مجاز از آثار سمعی و بصری، این قانون (قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز می‌نمایند) را ملاک عمل خویش قرار داده است.

## ۶. قانون حمایت از حقوق پدیدآوردگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای (۱۳۷۹)

مقنن در قانون حمایت از پدیدآوردگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای به حمایت‌های قانونی مشابه آنچه که در قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان مورد لحاظ قرار گرفته بود در حیطه نرم‌افزارهای رایانه‌ای پرداخت. اگرچه عده‌ای بر این باورند که بند ۱۱ ماده دو قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان ناظر بر حمایت از نرم‌افزارهای رایانه‌ای است (طارم‌سری، ۱۳۸۲: سخنرانی). آنچه که در این قانون نقش بارز و برجسته‌ای دارد، موضوع تخصصی نرم‌افزارها و احراز ضرورت قانونمند کردن

حمایت از حقوق پدیدآوردگان این قبیل آثار است.

نشر، عرضه، اجرا و حق بهره‌برداری مادی و معنوی نرم‌افزارهای رایانه‌ای از مصادیق مجرمانه‌ای است که در این قانون پیش‌بینی شده است. به همین لحاظ این قانون گامی اساسی در راه حمایت از حقوق پدیدآوردگان نرم‌افزارهاست که در سالهای قبل از انقلاب سابقه‌ای نداشته است. این حمایت مسلماً می‌تواند موجب طرح و توسعه هر چه بیشتر مباحث حقوقی مرتبط با آن و تأثیر متقابل بر صنعت نرم‌افزار باشد. چراکه نویدبخش احساس امنیت قانونی برای دست‌اندرکاران و سرمایه‌گذاران این بخش خواهد بود.

مقنن در ماده ۱۳ این قانون به صورت هم‌زمان دو ضمانت اجرای کیفری را در نظر گرفته است. با توجه به قید «و» قاضی مکلف است در حکم هر دو مجازات را لحاظ دارد. اگرچه ضمانت اجرای کیفری تعیین شده دارای حداقل و حداکثری است که قاضی می‌تواند با استفاده از شدت و ضعف عمل ناقص حق، از حداقل و حداکثر تعیین شده در جهت احقاق حق بهتر و رعایت عدالت استفاده کند، با وجود این به نظر می‌رسد ضمانت اجرای کیفری حبس و جزای نقدی توأمان شدید باشد. علاوه بر اینکه مجازات‌های کیفری نافی طرق جبران مدنی نیست و بسته به مورد، دادگاه می‌تواند هر دو نوع طریق جبران (کیفری و مدنی) را در مورد اشخاص ناقص کپی‌رایت اعمال نماید. با توجه به تبصره ذیل ماده ۱۳، خسارات شاکی خصوصی از اموال شخصی مرتکب جرم جبران می‌گردد.

ماده ۱۴ این قانون امکان انتشار حکم صادره را در یکی از روزنامه‌ها به انتخاب و هزینه شاکی خصوصی در راستای اعلام عمومی حقانیت شاکی و البته پیشگیری از وقوع موارد مشابه مجاز دانسته است. علی‌رغم این همه سخت‌گیری مقنن، این جرم از جمله جرایم قابل گذشت می‌باشد (ماده ۱۳). لازم است که هر تعقیبی با شکایت شاکی به جریان بیفتد و با گذشت او موقوف گردد. ضمن اینکه هرگونه حمایتی موقوف بر تولید و توزیع موضوع حمایت برابر ماده ۱ این قانون برای اولین بار در ایران است که این رویکرد دارای همان اشکالاتی است که قبلاً راجع به آن بحث کردیم.

## ۷. قانون تجارت الکترونیک (۱۳۸۲)

با توجه به ویژگی آسانی انتقال داده‌ها در محیط مجازی، امن‌سازی شبکه‌ها و استفاده از روشهای مطمئن و جلوگیری از سوء استفاده از آثار ادبی و هنری و نسخه‌برداری آن در محیط اینترنت از دغدغه‌های مهم تولیدکنندگان این آثار می‌باشد. این نسخه‌برداری زمانی صورت می‌گیرد که اثر مورد نظر در حافظه رایانه یا سایر وسایل الکترونیکی ذخیره می‌شود (رهبر، ۱۳۸۴: ۳۲۵-۳۲۷). بدیهی است زمانی که از یک فایل، لوح فشرده یا پایگاه داده حاوی مطالب و... به طور غیر مجاز کپی‌برداری (دانلود) می‌شود، به دارنده این آثار ضرر و لطمات زیادی وارد می‌شود که باید مورد حمایت قرار گیرد.

تا پیش از تصویب قانون تجارت الکترونیک، حمایت از کپی‌رایت در محیط الکترونیکی در هاله‌ای از ابهام قرار داشت. تنها به کپی‌رایت نرم‌افزار در قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای توجه شده و به سایر جنبه‌های کپی‌رایت در محیط الکترونیک اشاره‌ای نشده بود. قانون تجارت الکترونیک نخستین قانونی است که در نظام حقوقی ایران به حمایت از کپی‌رایت در محیط‌های الکترونیک پرداخت. در مبحث چهارم این قانون،<sup>۱</sup> طی ماده ۷۴ به نقض حقوق مؤلف اشاره شده است و ضمانت اجرای آن حبس و جزای نقدی توأمان تعیین شده است.

یکی از ایرادهایی که به این قانون وارد است اینکه در این ماده بر خلاف سایر قوانین به جبران خسارات هیچ اشاره‌ای نشده است. ایراد دیگر اینکه در ماده فوق‌الذکر حقوق مورد حمایت در سه قانون مزبور را به عبارت «... منوط بر آنکه امور مذکور طبق مصوبات مجلس شورای اسلامی مجاز شمرده شود...» مقید کرده است، بدین معنا که حقوق مندرج در قوانین مزبور در صورتی در بستر الکترونیک از حمایت قانون برخوردار می‌شوند که مجلس شورای اسلامی آنها را مجاز بشمارد. بدیهی است که این امر بر خلاف اصل اباحه است و مجلس شورای اسلامی در هر

۱. مبحث چهارم این قانون اختصاص به نقض حفاظت از «داده‌پیام» در بستر مبادلات الکترونیک دارد که به چهار فصل تقسیم شده است. مقنن در فصل اول آن به نقض حقوق مؤلف پرداخته است.

مورد باید تعیین کند که کدام حق از حقوق مؤلف مجاز شناخته می‌شود یا نمی‌شود، در صورتی که با تصویب سه قانون مار الذکر، مجاز بودن این حقوق ابراز شده و افزودن قید اشاره‌شده موجب ایجاد این شبهه می‌گردد. اگرچه برخی از این عبارت معنای دیگری را بیان کرده‌اند (همان). به نظر ایشان آثاری از حمایت قانون برخوردار هستند که حاوی مسائل خلاف قانون (مثل یک عکس مستهجن یا ضد اخلاقی) نباشند، که به نظر می‌رسد چنین برداشتی صحیح نباشد. چراکه این مسئله از بدیهیات حقوق کیفری می‌باشد که بنای حمایت قانون بر این است تا آثاری مورد حمایت باشند که دارای احترام هستند.

اشکال دیگر در وضع مجازات، عدم تعیین گذشت‌پذیر بودن یا نبودن جرمهای یادشده است. با توجه به اینکه ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی نیز قانون اسبق می‌باشد و اشاره‌ای نیز در قانون تجارت الکترونیک به آن نشده است، به نظر می‌رسد که جرمهای یادشده در این قانون گذشت‌ناپذیرند. در حالی که نقض کپی‌رایت از جمله موارد دارای جنبه خصوصی می‌باشد و غیر قابل گذشت بودن آن از سخت‌گیریهایی است که لزوم آن احساس نمی‌شود. مگر آنکه وسعت خسارات ناشی از نقض کپی‌رایت در حد گسترده و مقیاس تجاری باشد و نظم عمومی را به شدت تحت شعاع قرار دهد.

## ۸. قانون جرایم رایانه‌ای (۱۳۸۸)

افراد در فضای مجازی (فضایی که اجزای تشکیل‌دهنده آن، سیگنالهای الکتریکی و الکترومغناطیسی است) از طریق رایانه و وسایل مخابراتی به صورت زنده و مستقیم، صرف نظر از جغرافیای فیزیکی با یکدیگر ارتباط دارند. این فضا صرف نظر از کارکردهای مثبت در زندگی اجتماعی، می‌تواند عرصه جدیدی برای فعالیتهای غیر مجاز باشد که با منافع ملی، مصالح اجتماعی، موازین مذهبی و اخلاقی جامعه مغایرت دارد.

طبیعی است با دیجیتالی شدن تجهیزات فیلم‌برداری و گسترش استفاده از تلفنهای همراه مجهز به دوربین، امکان تهیه و تولید فیلم یا عکس از افراد برای



انتشار در فضای مجازی یا ابزار تهدید برای ارتباط جنسی یا اخاذی آسان باشد. مقنن برای مبارزه با این پدیده شایع انتشار آثار مستهجن و مبتذل از طریق ارتباطات الکترونیکی و سایتهای کامپیوتری یا وسیله و تکنیک مشابه دیگر (ماده ۱۰ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز می‌نمایند) را مد نظر قرار داد. اما سیاق قانون مذکور فقط «انتشار» آثار مستهجن و مبتذل را دربر می‌گرفت که جامع نبود.

لذا مقنن در قانون جرایم رایانه‌ای، فرایند مبارزه با این جرایم را تکمیل کرد. مقنن در این قانون علاوه بر اینکه تولید، ذخیره و نگهداری محتویات مستهجن را به قصد ارسال، انتشار یا تجارت و همین طور توزیع و معامله آن را به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای، مخابراتی یا حاملهای داده، ممنوع کرده است (ماده ۱۴)، افشا یا در دسترس دیگری قرار دادن «صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری، ...» (ماده ۱۷) و تغییر، تحریف و انتشار «فیلم یا تصویر دیگری، ...» (ماده ۱۶) را نیز جرم‌انگاری کرده است.

مقنن در قانون جرایم رایانه‌ای، شنود غیر مجاز محتوای در حال انتقال ارتباطات غیر عمومی در سیستمهای رایانه‌ای، مخابراتی، امواج الکترومغناطیسی یا نوری (ماده ۲) و دسترسی غیر مجاز به داده‌ها، سیستمهای رایانه‌ای یا مخابراتی را که به وسیله تدابیر امنیتی حفاظت شده است (ماده ۱) و شنود محتوای ارتباطات رایانه‌ای را مگر در موارد مربوط به امنیت کشور یا با دستور مستقیم مقام قضایی، ممنوع کرده است (ماده ۴۵) و حکم آن را همان حکم شنود تلفنی قرار داده است (ماده ۴۸).

### نتیجه‌گیری

قوانین کیفری به عنوان ساده‌ترین و شدیدترین وسیله اجبار افراد به رعایت قواعد و مقررات در جامعه باعث گردیده است که دولتها به ضمانت اجرای کیفری متوسل شده و برای تخلف متخلفان مجازات تعیین کنند. در قوانین برخی از کشورها مجازاتهایی در قالب جریمه یا حبس و یا هر دو برای مرتکبان این گونه جرایم تعیین گردیده است. این در حالی است که این مجازاتها با اقداماتی به منظور جبران

خسارات وارده به شخص زیان‌دیده و بازگشت به وضعیت پیش از نقض کپی‌رایت تکمیل می‌گردد.

در قوانین داخلی موجود در مقابله با کپی‌رایت غیر مجاز عمدتاً از ابزار حبس<sup>۱</sup> و در برخی موارد، علاوه بر آن از جزای نقدی به علاوه جبران خسارت استفاده شده است. بنابراین حبس محور بودن مقنن در این حیطة محسوس می‌باشد. این در حالی است که استفاده از ابزار مجازات زندان در نقض کپی‌رایت، بدون توجه به میزان نقض، تا حدودی شدت عمل مقنن را نشان می‌دهد. در حالی که وضعیت نامناسب محیط زندان و انگیزه‌های مالی موجود در نقض کپی‌رایت، مبین این امر است که استفاده از نهاد کیفر حبس در این دسته از جرایم غیر ضروری است و باید میان جرایم در سطح کلان و تجاری کپی‌رایت با نقض کپی‌رایت در جهت استفاده‌های شخصی یا محدود، تفکیک قائل شد و مجازات حبس را به دسته اول اختصاص داد. از طرفی در یک نظام حقوقی، قانونی موفق خواهد بود که با اجزای دیگر نظام حقوقی سازگاری و تناسب داشته باشد، و گرنه به قانونی متروک تبدیل یا غیر قابل اعتنا تبدیل می‌شود (صالحی، ۱۳۸۸: ۲۴). مقایسه رویه قانونی با رویه قضایی (آرای اصداری راجع به نقض کپی‌رایت)، ما را به این نتیجه می‌رساند که رویه قانونی متوسل به استفاده از ابزار حبس برای جرایم کپی‌رایت، ولو موارد ناچیز و در مقیاس خرد است، در حالی که رویه قضایی بیشتر متمایل به تبدیل آن به جزای نقدی است. گویی قضات محترم واقف هستند که مجازات حبس برای این دسته از جرایم، به جز موارد خاص، شدید است. لذا انتظار می‌رود مقنن با رویکردی جدید به دنبال تصویب قانونی جامع و کامل که در بردارنده محتویات همه قوانین موجود باشد و در آن از نقایص پیش گفته خبری نباشد، اقدام نماید.

۱. مع‌الوصف پژوهشهای جرم‌شناختی و کیفرشناختی راجع به کارایی زندانها به عنوان بیشترین ابزار ضمانت اجرای کیفری در زمینه اصلاح بزهکاران و مبارزه با تکرار جرم نشان داده است که از یک سو، زندانها در انجام این رسالت روی هم رفته ناموفق بوده است و از سوی دیگر، حبسهای کوتاه‌مدت، به ویژه برای بزهکاران بی سابقه، بیشتر یک عامل تکرار جرم بوده است (آنسل، ۱۳۷۵: ۱۲۱). به همین دلیل باید پیش از توسل به ابزار زندان هزینه‌های آن را با توجه به منافع آن در نظر بگیریم و در صورت مثبت بودن نتیجه، بدان متوسل شویم.

کتاب‌شناسی

۱. آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵ ش.
۲. پورمحمدی ماهونکی، شیما، حقوق اجراکنندگان، تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمانهای پخش رادیو و تلویزیونی، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۵ ش.
۳. جوانمرد، بهروز، سیاست کیفری جدید مقنن در رابطه با فعالیتهای غیر مجاز سمعی و بصری، تعالی حقوق، شماره ۱۸، ۱۳۸۶ ش.
۴. حضرتی شاهین دژ، صمد، مطالعه تطبیقی حقوق معنوی مؤلف، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام، شماره ۱۰، ۱۳۷۸ ش.
۵. خلاصه گزارش اظهار نظر کارشناسی درباره طرح اصلاح قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیتهای غیر مجاز می‌نمایند، مصوب ۱۳۷۲ و الحاق موادی به آن، دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهشهای مجلس، ۱۳۸۵ ش.
۶. رهبر، نوید، تأثیر اینترنت بر حق مؤلف در نظام حقوق بین‌الملل و حقوق کنونی ایران، مجموعه مقاله‌های همایش بررسی جنبه‌های حقوقی فناوریهای اطلاعات، تهران، سلسیل، ۱۳۸۴ ش.
۷. شیخ‌الاسلامی، عباس، جرایم مطبوعاتی، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۰ ش.
۸. صالحی، جواد و یوسف ابراهیمی، سیاست کیفری و سیاست جنایی، تعالی حقوق، شماره ۲۵-۲۶، ۱۳۸۷ ش.
۹. صالحی، جواد، سیاست کیفری در چالش با نقض کپی‌رایت، قضاوت، شماره ۵۶، ۱۳۸۸ ش.
۱۰. همو، کپی‌رایت در بستر قانون و تعامل آن با مبانی فقهی، دادرسی، شماره ۶۸.
۱۱. همو، کپی‌رایت و تعامل آن با مالکیت فکری، تعالی حقوق، شماره ۱۸، ۱۳۸۶ ش.
۱۲. طارم‌سری، مسعود، جایگاه ایران در نظام بین‌المللی حمایت از حقوق مالکیت فکری، سخنرانی در مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه تهران، ۱۳۸۲/۱۰/۱.

13. Copyright in light of deterrent punishment of criminal law



موجز المقالات

الإحالة الجزائية

(دراسة عقوبة جرمية موضوع مادة ۵۱۶ من القانون الجزائي الإسلامي)

- الدكتور تهمورث بشيريه
- أستاذ مساعد بجامعة طهران

على الأغلب، مقنني ومشرعي القوانين الجزائية حينما يريدون تأسيس القاعدة القانونية يذكرون الحكم وضمائه العملي في مادة واحدة ولكن بعض الأحيان ينفردون هذين الأمرين ويضعونهما في موادّ منوّعة. كما تجدر الإشارة إلى أنّ هؤلاء قد يذكرون تعريف الحكم وشروطه في موضع واحد وقد يأتون بهما في موادّ كثيرة ومتفاوتة. إضافة إلى ذلك أنّ المقننين تارة يضعون الحكم وضمائه العملي في قانون واحد وأخرى في قوانين عدّة وذلك على نمط إحالة العقوبة إلى قانون آخر سمّيناه في هذه الدراسة «الإحالة الجزائية».

والجدير بالذكر أنّ هذه الإحالة قد أُحيلت إلى قوانين وقواعد أجنبيّة التي أنجبت عراقيل ومشاكل عدّة. قد أتى الكاتب في هذه المقالة بتوضيحات عامّة حول أقسام العنصر